



هنرمدرسه

مروزی بروزش های آموزش خلاق در هزاره ی سوم

محمد رضا ساختمانگر



انتشارات سورنا

سرشناسه:

ساختمانگر، محمد رضا، ۱۳۵۶ -

Sakhtemangar, Mohammad Reza

عنوان و نام پدیدآور:

هنرمدرسه (مروری بر روش های آموزش خلاق در هزاره سوم)/ نویسنده

محمد رضا ساختمانگر.

مشخصات نشر:

تهران: سورنا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری:

۱۲۸ ص.

لایک:

۳-۴۹-۲۷۲۶-۹۶۴-۹۷۸-۱۵۰۰۰: ریال

وضع تاقهرست نویسی:

فیبا

موضوع:

خلاقیت در کودکان

موضوع:

Creative ability in children

موضوع:

آموزش و پرورش - نوآوری

موضوع:

Educational innovations

رده بندی درجه:

LB1۵۹۰/۱

رده بندی دیویی:

۳۷۰/۱۵۰

شماره کتابشناسی:

۵۲۸۰۷۹۲



هنرمدرسه

مروری بر روش های آموزش خلاق در هزاره سوم

شابک: ۳-۴۹-۲۷۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نویسنده: محمد رضا ساختمانگر

ویراستار: سید رضا شکرالهی

انتشارات سورنا

تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه

قطع: رقعی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان



فهرست مطالب

۶	درباره
۱۲	فصل اول: تعریف نبوغ در آموزش هنر
۲۶	فصل دوم: مدیریت آثار
۴۲	فصل سوم: سبک زندگی
۶۶	فصل چهارم: شیوه ها، پرورش
۷۴	فصل پنجم: تربیت روحیه جسم
۸۶	فصل ششم: تکلم نشان تعقل انسان توانا
۹۴	فصل هفتم: نابغه ها و روش هایی برای شوقایی
۱۱۲	فصل هشتم: تأثیر محیط
۱۲۲	فصل نهم: ابزار پرورش نبوغ



در حدود ۲۴۰۰ سال پیش، افلاطون در کتاب «جمهوریت» در خصوص اهمیت تعلیم و تربیت به تفصیل پرداخته است اما میان تعلیم و تربیت فرق گذاشته و تربیت را وسیع‌تر و کلی‌تر از تعلیم به‌شمار می‌آورد. از نظر او، تربیت یعنی شکوفا شدن استعداد های ذاتی یا از قوه به فعل درآمدن آنها. از این‌رو هدف عمده تربیت که آن را مهم‌ترین دستور می‌داند، کشف استعداد های برجسته و آماده ساختن آنها برای زمانه‌ی د. جامعه آرمانی یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است. این هدف، می‌تواند در پرورش نخبگان خلاصه کرد. (دکتر کاردان، ۱۳۸۱)

اما پرورش نخبگان در یک نظام آموزش و پرورش چگونه محقق می‌شود؟ یک روز صبح، د.ری، شاگردی شاخه‌هایی را که در باد می‌رقصیدند نگاه می‌کرد. از استاد پرسید: «استاد، شاخه‌ها تکان می‌خورند یا باد؟» استاد بدون هیچ نگاه کردن به جایی که شاگرد به آن اشاره کرده بود، لیخن زد و گفت: چیزی که تکان می‌خورد، شاخه‌هاست، نه باد؛ آن قلب و ذهن توست... همیشه وقتی سخن از مدرسه و د.لام درس به میان می‌آید، عده‌ای با این چالش و سؤال مواجه می‌شوند که یک مدرسه خوب، چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا مدرسه مکانی است صرفاً برای آموزش و انتقال علم و دانش یا به بچه‌ها؟ یا این که مدرسه جایی است که بچه‌ها باید در آن برای فردای این جهان تربیت شوند؟

یا این که اصلاً وظیفه‌ی خطیر آموزش و پرورش تربیت کودکان برای ورود به دانشگاه‌هاست؟ یک دانش‌آموز نابغه چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا نابغه کسی است که در درس‌هایش نمرات عالی کسب کند و بتواند به سرعت به حد یک دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا و... دست یابد؟

مجموعه‌ی این سؤالات و هزاران پرسش دیگر، بعد از سه دهه‌ی مدرسه‌ی خوب به ذهن متبادر می‌شود. واقعیت این است که پاسخ‌دادر به این پرسش‌ها کار چندان ساده‌ای نیست. اگر بپذیریم که آموزش و پرورش توسعده‌ی همه‌جانبه‌ی یک جامعه است و هر قدر دانش‌آموزان بتوانند در همه‌جانبه‌ی زندگی تحصیلی خود با همیاری اولیا و مربیان در مسیرهای درست قرار بگیرند، به گونه‌ای که از حضور در کلاس‌ها احساس شادی و سرور کنند، می‌توان گفت آن جامعه در آینده خوشبخت‌تر خواهد بود و ما به اهدافمان نزدیک‌تر شده‌ایم. اما واقعیت این است که در بسیاری از کشورها و به ویژه در جوامع توسعه‌نیافته و در حال رشد، نظام‌های آموزشی همچنان با بحران‌های معرفتی، نگرشی و محتوایی مواجه‌اند. بحران‌هایی که ضعف این کشورها را در مسیر پیشرفت، ترقی، توسعه‌ی علمی، رشد و ارتقای فرهنگی موجب شده است.